مدیریت شهری
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015
۱۵۱-۱۶۴
زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۵/۴ زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۹/۱

بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تعلق شهروندان تهرانی به محله (جامعه مورد مطالعه: ساکنان بالای ۱۸ سال منطقه ۲۲ تهران)

حسین ابراهیم زاده – استادیار گروه مردم شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان، سیستان و بلوچستان، ایران.
نوروز هاشم زهی– استادیار جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق و رئیس مرکز پژوهش های اجتماعی کندوکاو، تهران، ایران.
اباذر اشتری – دانشجوی دکتری جامعه شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.
فاطمه مفرح* – کارشناس ارشد جامعه شناسی و عضو باشگاه پژوهشگران جوان واحد تهران شمال، تهران، ایران.

چکیده
در این مقاله مسئله و هدف محوری، سنجش میزان تعلق اجتماعی شهروندان منطقه ۲۲ تهران و عوامل اجتماعی موثر بر آن (پیوندهای اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، همبستگی و انسجام محله ای) می باشد. بر اساس رویکرد جامعه شناختی، عمده ترین تحولات نظری این مقوله با استناد به ترکیبی از نظریه های اندیشمندانی چون دورکیم، زیمل، پارسونز، اینگلهارت و پاتنام، فوکویاما، ساپ و هارود و هانتینگتون بررسی شده است. با روش پیمایشی و ابزار مصاحبه مبتنی بر پرسشنامه، ۲۵۰ نفر از شهروندان بالای ۱۸ سال منطقه ۲۲ تهران به روش نمونه گیری چند مرحله ای انتخاب شدند و اطلاعات گردآوری شد؛ روایی و اعتبار پرسشنامه مورد تایید قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان داد که تعلق اجتماعی شهروندان منطقه ۲۲ به محله در حد کم می باشند. همچنین هر چه پیوندهای اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، همبستگی و انسجام محله ای در محلات افزایش یابد، تعلق اجتماعی شهروندان به محله نیز افزایش می یابد.
واژگان کلیدی: تعلق اجتماعی، پیوند اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، همبستگی و انسجام محله ای.

Social factors influencing the Iranians belong to the neighborhood (the study population: Tehran 22 area residents over 18 years old)

Abstract
The central aim of this paper is the evaluation of social belonging and social factors affecting the citizens of District 22 of Tehran (social cohesion, social trust, social participation, solidarity and cohesion, neighborhood) are. According to the sociological approach, the major theoretical developments in this category based on a combination of theories of thinkers such as Durkheim, Simmel, Parsons, Inglehart and Putnam, Fukuyama, Huntington Sap and Harvd and investigated. Questionnaire and interview-based survey of 250 residents over 18 years of district 22 of Tehran were selected by multi-stage sampling and data were collected. Validity and reliability were confirmed. The results showed that the citizens of the community who are less than 22 quarters. As well as social cohesion, social trust, social participation, solidarity and community cohesion in neighborhoods increases, increases social belonging to neighborhood residents.
Key words: social belonging, social links, social trust, social participation, solidarity and community cohesion.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۲۲۸۵۱۲۹۶ (۰۲۱) ، رایانامه: h.ebrahim@lihu.usb.ac.ir

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

مقدمه

در ادبیات جامعه شناسی شهری دهه‌های اخیر ساختار محله های شهری با تأکید بر نیاز به توسعه احساس تعلق اجتماعی و مکانی ساکنان در شهرهای بزرگ مورد بازشناسی قرار گرفته است. بازشناسی تعلق اجتماعی در محله های شهری یک ضرورت اجتماعی و فرهنگی است که در جهت پیشبرد اهداف استراتژیک مدیریت شهری نقش بسیار مهمی دارد. محله ها به طور سنتی کارکردهای اجتماعی مهمی از جمله هویت یابی و احساس تمایز، احساس تعلق جمعی، مشارکت‌یابی و بسیج داوطلبانه‌ی منابع و امکانات انسانی و مالی داشتند. ساخت کالبدی محله باعث تقویت هرچه بیشتر این کارکردها می‌شد زیرا معابر، میدان عمومی، بازار و مسجد محله همه به گونه‌ای طراحی شده بودند که امکان ملاقات و گفتگوی دائمی، حمایت مالی، هم فکری و مشورت در امور محله و همکاری را فراهم می‌کرد و هر محله یک مجموعه‌ی زیستی کامل به شمار می‌رفت. محله های شهری از گذشته در شکل‌دهی و سازمان امور شهری جایگاه ویژه‌ای داشتند. هر محله با ارائه‌ی خدمات روزمره‌ی مورد نیاز خود و با ایجاد نمادهای محله‌ای و ویژگی‌های خاص موجب می‌شد ساکنان آن نوعی احساس تعلق و هویت داشته باشند. در گذشته برای امور محله همچون ایجاد امنیت از اهالی محله مشارکت می‌خواستند ولی به مرور این نقش از مردم برداشته شد و ساکنان محله از هویت خاص محلهٔ خود تهی شدند. تراکم اخلاقی، جمعیتی و ساختار ارگانیکی در زندگی مدرن شهری به گونه ای است که قانون و هنجارهای رسمی جانشین هنجارهای سنتی می شود و در نتیجه مراودات اجتماعی را بسیار پر حجم اما ناپایدار و بی روح می کند. در چنین فضایی همکاری، مشارکت و روابط اعتمادآمیز اجتماعی به حداقل می رسد و خلاء های عاطفی و ضعف در هویت جویی افزایش می یابد و نیاز به تعلق اجتماعی کمتر تامین می شود. کمبود امکانات و تسهیلات شهری در قبال روند افزایش بی رویه جمعیت نیز از سوی دیگر موجب شده تا احساس نارضایتی در شهرنشینان ایجاد شود و روند ایجاد نقش شهروندی و تعلق و یگانگی به شهر را در افراد کندتر کند. در چنین شرایطی انسان شهرنشین در تکاپوی رفع نیاز به تعلق اجتماعی و هویت یابی، توسعه روابط اجتماعی را دنبال می کند. در واقع شهرها فقط حاصل فشردگی و تراکم بالای جمعیت در یک مکان خاص نیستند، بلکه افراد حاضر در شهر بر اساس تنظیم روابط خود در قالب روح شهروندی، موفق به ایجاد حس تعلق به یک مکان جغرافیایی و یک محیط اجتماعی می شوند. ایجاد نقش شهروندی به این دلیل برای مدیریت شهری اهمیت دارد که در جامعه احساس تعلق شهری را ایجاد کرده و به تبع آن مسئولیت پذیری افراد را نسبت به محیط شهری بالا می برد.

هر اندازه مشارکت مردم در اداره شهر بیشتر شود، حس تعلق آنان به شهر نیز افزایش می یابد. با ایجاد انگیزه و احساس تعلق اجتماعی مردم و ارتقای سطح دانش آنان، می توان شهروندانی مسئول و اجتماعی ساخت. حال اگر در برنامه ریزی شهری و مدیریت شهری بتوان به گونه ای بافت و ساختار و فعالیت ها را تنظیم کرد که به توسعه تعاملات و ارتباطات عمیق و کیفی کمک کند، طبعاً بیشترین کمک به ارتقاء حس تعلق اجتماعی، هویت یابی و تامین نیازهای عاطفی شهروندان شده است. از مهم‌ترین اهداف رویکرد محله‌محوری در مدیریت شهری موفق، بهره‌گیری از مشارکت مردم و ارزش گذاری بر دیدگاه های مردم در موضوعات مختلف شهری است که باعث ایجاد تعلق اجتماعی و اعتماد اجتماعی می شود. مشارکت شهروندان در اداره شهر و تصمیم‌گیری محلی همواره به عنوان یکی از شیوه های انسجام اجتماعی مطرح شده است. آگاهی از نیازها و مسائل مردم و بررسی نگرش آنان در میزان نقشی که می توانند در رفع مشکلات شهری داشته باشند موثر است. مردم در کاری مشارکت می کنند که آن را به درستی بشناسند. شناخت، اولین گام مشارکت است. سپس تبادل اطلاعات، اعتمادسازی و ایجاد تعلق اجتماعی است که به مشارکت هدفدار منتهی می شود. مشارکت اجتماعی و مسؤولیت پذیری یک حق شهروندی است که باید شرایط آن فراهم شود. پسوند «وند» که پس از

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

شهر قرار می گیرد، گویای تعلق و هویت است. تعلق اجتماعی شهروندان به محله می تواند در تامین منابع اقتصادی، کاهش هزینه خدمات، آسیب ها و تنش های ناشی از زندگی شهری و افزایش انسجام اجتماعی (همبستگی و انسجام محله ای)، اعتماد اجتماعی، پیوندهای اجتماعی و مشارکت اجتماعی و رضایت شهروندان موثر باشد. احساس تعلق اجتماعی نیز مبنای احساس مسئولیت و به دنبال آن مشارکت در توسعه شهری و منطقه ای است. هویت فرهنگی و اجتماعی در تداوم حیات اجتماعی انسان نقش مهمی را در انجام وظایف و مسئولیت های اجتماعی و شهروندی ایفا می کند. نتایج بررسی ها نشان داده است که میزان تعلق اجتماعی شهروندان ضعیف است و شهروندان نسبت به محیط زندگی خود احساس تعلق و یگانگی ندارند. ساختار زندگی شهری شرایطی را ایجاد نموده که منافع عمومی در مقابل منافع شخصی رنگ باخته است .

سازمان محلات شهری و جایگاه آن در نظام جغرافیایی- اجتماعی، در چشم انداز جغرافیایی، جامعه شناختی و برنامه ریزی شهری مورد بررسی قرار گرفته است. نظریه جغرافیایی بیشتر متوجه ساختار فضایی محله های شهری و ضرورت ها و نیازهای محیطی واحدهای فوق و موقعیت محله های شهری از لحاظ تفکیک کارکردی فضایی است. در حالی‌که نظریه های جامعه شناسی نقش و اهمیت کارکردی محلات شهری را در بعد پیوند اجتماعی و تأثیری که وضعیت مکانی فوق در زندگی جمعی ساکنین شهری دارد را مورد تأکید قرار می دهند. به منظور رسیدن به توسعه پایدار شهری توجه به تعلق اجتماعی شهروندان در محلات (به عنوان کوچکترین واحد شهری) ضروری است. این مقاله در صدد است ابعاد جامعه شناختی تعلق اجتماعی شهروندان و عوامل اجتماعی موثر بر افزایش آن را با نگاهی به ساختار محله در شهر تهران (منطقه ۲۲ شهرداری تهران) مورد بررسی قرار دهد.

۱. **اهداف اصلی** عبارتند از: «۱. سنجش میزان تعلق شهروندان به محله در منطقه ۲۲؛ و ۲. بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تعلق شهروندان به محله.»

۲. **اهداف فرعی** عبارتند از: بررسی رابطه میان سن، جنسیت، وضعیت تاهل، سطح تحصیلات، پیوندهای اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، همبستگی و انسجام محله ای با میزان تعلق شهروندان به محله.

مبانی نظری

منظور دورکیم از احساس تعلق اجتماعی آن است که یک فرد از نظر روانی و اجتماعی تا چه حد خودش را با جامعه هماهنگ دانسته و به طور فعال در امور آن مشارکت نموده و عملکرد او برای دیگران باعث خود ارزشی فرد می شود و نسبت به دیگران در خود، تعهد زیادی احساس می کند. از نظر ساپ و هارود (Sapp & Harrod) تعلق به گروه اجتماعی (جمع گرایی) موجب پذیرش گروه مرجع مثبت گردیده است و به خاطر ارزش های حاکم بر گروه و فشار هنجاری افراد خود را موظف به پذیرش رفتار و پیروی از آن می دانند و در نتیجه فعالیت های گروهی و رفتار اجتماعی تقویت می گردد. ساپ و هارود در تحقیق خود متغیری به نام «**پذیرش اجتماعی**» (Social Acceptability) را در نظر گرفتند. آنها معتقدند که انتظارات اجتماعی در پیدایش قصد و نیت موثر است. بدین ترتیب انسان جهان اطراف خود را از دیدگاه گروه مرجع کلی ادراک می کند. گروه مرجع می تواند هر مجموعه از مردم باشد. این گروه مرجع یک چهارچوب ارزشیابی را به وجود می آورد که بر اساس آن اعضای سیستم اجتماعی یا گروه، خود و دیگران را ارزیابی و کنترل می نمایند. بر این اساس هر آنچه که در یک گروه به عنوان یک مقیاس ارزشی گروهی جا افتد بر روی قضاوت و ارزشیابی تک تک افراد تاثیر می گذارد اما به آن تعلق دارد و آن را به عنوان گروه مرجع مثبت می پذیرد. یک سیستم مقیاس های ارزشی تولید می کند که اعضای گروه به دلایل مختلف از جمله فشار هنجاری و همشکلی خود را موظف به پذیرش و پیروی از آن می‌دانند البته پیروی از این مقیاس ها بستگی به میزان همبستگی و انسجام گروهی دارد و هر چه که این مقیاس ها مشخص تر باشند و تعداد بیشتری از اعضای گروه آن مقیاس ها را پذیرفته و

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

از آنها پیروی کنند، همشکلی و لذا فشار هنجاری بیشتر خواهد بود (رفیع پور، ۱۳۷۲، ص ۱۲). سالی شورتال (Sally Shortall) که به بررسی رابطه مشارکت افراد در توسعه روستاهای ایرلند شمالی می پردازد، احساس کم رنگ شدن تعلق اجتماعی در افراد را از جمله عوارض محرومیت اجتماعی می داند که در نتیجه به کاهش انگیزه های مردم برای شرکت در امور اجتماعی منجر می گردد. تأکید این مقاله بر آن است که افراد به وسیله دریافت هایی که از حضور خود در جمع و انجام امور جمعی بدست می آورند از سود یا ضررهای احتمالی که حضورشان در امور جمعی به دنبال خواهد داشت آگاه می شوند و در نتیجه در مورد ادامه یا کاهش حضور در این گونه فعالیت ها تصمیم گیری می کنند. پررنگ بودن احساس تعلق و تعهد اجتماعی در یک جامعه به عنوان یک کاتالیزور جهت پیوند افراد ازگروه های مختلف به یکدیگر عمل می کند .(shortall,2008)

از آغاز طرح مباحث جامعه شناسی مفهوم انسجام اجتماعی (Social Cohesion) در کانون توجه نظریه پردازان علوم اجتماعی قرار داشته است. از دیدگاه متفکران رویکرد ساختی ـ کارکردی، انسجام اجتماعی پایه نظم اجتماعی را تشکیل داده و گسترش زمینه های وفاق و همبستگی، موجبات فعالیت و مشارکت گسترده افراد جامعه را فراهم می آورد. «دورکیم» (Durkheim) به نقش همبستگی اجتماعی در گسترش و تقویت ارتباطات اجتماعی اشاره دارد. همبستگی اجتماعی عامل نیرومندی در نزدیک کردن افراد به هم است و باعث تشدید تماس های آنان و بیشتر کردن فرصت های ارتباطشان با یکدیگر خواهد شد. یعنی هر چه اعضای یک جامعه همبسته تر باشند، روابط گوناگون خود را با یکدیگر یا در حالت دسته جمعی با گروه بیشتر حفظ می کنند. انسجام اجتماعی دلالت بر توافق جمعی میان اعضای یک جامعه است که در یک حوزه تعاملی معین شکل و معنا پیدا می کند. دورکیم احساسی را که در میدان تعاملی به وجود می آید عاطفه جمعی (Collective Emotion) می نامد. از نظر وی عاطفه جمعی عمیق اکثراً طی مناسبات جمعی به وجود می آید و بدین نحو موجبات افزایش و تحکیم انسجام اجتماعی را فراهم می کند. از نظر ترنر، سوال انسجام یا همبستگی اجتماعی دورکیم، به چند مسئله مربوط است:

۱. چگونه افراد برای این احساس که تعلق به یک جمع اجتماعی بزرگتری دارند، ساخته می شود؟

۲. چگونه تمایلات و خواسته های آنان به طریقی که موجب مشارکت آنان در جمع می شود، محدود می شود؟

۳. چگونه فعالیتهای افراد و دیگر واحدهای اجتماعی با یکدیگر هماهنگ و مطابقت داده می شوند؟ (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶، ص ۴۴و۴۳و۴۲).

دورکیم همبستگی را چیزی معرفی می کند که فرد را به جامعه پیوند می دهد. او همبستگی را موجب وحدت جامعه می داند. اگر همبستگی اجتماعی در جامعه تقویت یابد، انسجام جامعه ای توسعه یافته در نتیجه مشارکت جمعی افزایش می یابد. از نظر دورکیم جوامع مکانیکی به دلیل تبعیت از احساسات مشترک دارای همبستگی بالا می باشند ولی در جوامع ارگانیک به لحاظ تقسیم کار و تمایز پذیری اجتماعی، گسترهٔ آزادی فردی توسعه یافته و همبستگی کاهش می یابد و هر نوع قطع ارتباط بین فرد و جامعه، زمینهٔ آنومیک و مساعدی برای رشد انحرافات اجتماعی ایجاد می کند. در چنین حالتی یک نوع فردگرایی افراطی خواسته های فردی را در مقابل حیات اجتماعی قرار می دهد. دورکیم در کتاب تقسیم کار اجتماعی عنوان می کند که برای این که در جامعه انواع بی هنجاری ها رخ ندهند باید به تقویت گروه های اجتماعی پرداخت و از آنجا که جامعه به جلو حرکت می کند ما نیز باید از یک حالت به حالت دیگر گذر کنیم در نتیجه بایستی به دنبال راهکارهایی جهت جانشینی برای زندگی سنتی بود (وطنی، ۱۳۸۷، ص۷۹ و ۷۵ و توسلی، ۱۳۸۲، ص ۵ و ۷۳). دورکیم بر آن بود که محیط شهری و فرآیند شهرنشینی، بستر و شرایطی را فراهم می کند که با شدت گرفتن فرآیند تغییرات اجتماعی، و تاثیر آن بر روی همبستگی و انسجام اجتماعی، پدیده های نابهنجار و آنومی پدیدار می شوند.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

پس برای دورکیم، پدیده شهرنشینی در قالب مفهوم تغییرات اجتماعی متبلور می گردد، که به صورت عدم وجود فرصت کافی برای افراد در مشارکت و باور نمودن ارزشهای مشترک اجتماعی و از دست دادن پیوندها و بافتهای همبستگی، آنها را به سوی نابهنجاری سوق می دهد (نوابخش و سیاه پوش، ۱۳۸۸، ص ۱۸۴). تالکوت پارسونز از متفکرین برجسته نظریه ساختی ـ کارکردی نیز، انسجام اجتماعی را مجموعه سازگاری هایی می داند که برای ایجاد شرایط لازم برای بقاء وضع تفکیک یافته تازه توسط دیگر اجزاء سیستم صورت می گیرد تا شرایط لازم برای بقای سیستم به عنوان یک کل پویا فراهم گردد. وی معتقد است هر گاه در موقعیت های اجتماعی کنش های اظهاری فرد معطوف به دیگران باشد، به همکاری و انسجام با دیگران می انجامد. سطح بالای انسجام زمانی است که کنش های افراد اخلاقی و معطوف به یک جمع باشد. در این کنش ها مسئولیت و وفاداری در قبال دیگران و جامعه به حد اعلای خود می رسد (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶، ص ۴۴). ماکس وبر نیز به عوامل انسجام شهری اشاره کرده و آنها را عبارت از: اقتصاد، امنیت، آزادی، برادری می داند (نوابخش و سیاه پوش، ۱۳۸۸، ص ۱۸۹). زیمل در اثر خود «فلسفه پول» به گرایش هایی چون تفرد و تقویت احساس خصوصی بودن، تکثر سبکها و روابط اجتماعی و ابداع و نوآوری ناشی از آنها، رشد خرده فرهنگها و ضد فرهنگها و پیدایش احساس های جدید و زیباشناختی در الگوهای معرفی شهرها می پردازد. تاکید او بر به وجود آمدن «فرد» و «فردیت» در شهر است. زیمل به از میان رفتن برخی از سطوح تعلقی با ورود به شهرها اشاره می کند و معتقد است فرد در شهر زیر فشار نیروهای مختلف قرار می گیرد که در وی احساس نامطبوعی ایجاد کرده و او را به گوشه گیری و انزوا وا می دارند و موجبات فاصله گیری از دیگران را فراهم می کند. بدین وسیله فردگرایی در شهر متداول می شود (نوابخش و سیاه پوش، ۱۳۸۸، ص ۱۹۱).

در قالب پارادایم واقعیت اجتماعی مشارکت اجتماعی به عنوان واقعیتی اجتماعی در اشکال جمعی، انجمنی، گروهی و نهادی عینیت پیدا می کند. در این پارادایم جامعه فراتر از مجموعه افراد تشکیل دهنده آن در نظر گرفته می شود. جامعه تنها مجموعه ای از افراد نیست، منظومه ای است که از اتحاد افراد به وجود آمده و واقعیت خاصی با صفات خاصی است. در این پارادایم از حیث روش شناختی ما مخلوق زمان مان، طبقه مان، فرهنگ مان، جنسیت و محل زندگیمان هستیم (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶، ص ۴۱). اتخاذ تدابیری جهت تحقق نمایندگی مردمی در سطح محلی و منطقه ای و تفویض قدرت تصمیم گیری به سطوح محلی می تواند بخشی از زمینه های مشارکت را تامین نماید (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶، ص ۹۶). هانتینگتون نیز بر این نکته تاکید دارد که پایه مشارکت اجتماعی توده ها در مفهومی از شهروندی نهفته است که بر اساس آن تمام شهروندان از حداقل حقوق برابر و مسئوولیت های مشارکت در نهادهای اجتماعی برخوردارند و این مسئله به فرهنگ اجتماعی و نوعی جهان بینی نیاز دارد که مشارکت اجتماعی را مشروع و تسهیل نماید (آریایی نژاد، ۱۳۸۲، ص ۴۶). مشارکت اجتماعی فرایندی است که از طریق آن اجتماع، جماعت یا گروه با هم می پیوندند تا عملکردهای مورد انتظار یا مورد نیاز را به اجرا درآورند (سعیدی، ۱۳۸۲، ص ۱۲). به نظر گولت، مشارکت ویژگی مطلقاً ضروری هر نوع از توسعه می باشد و جایی که توده مردم در تشخیص مشکلات به ارایه نظر می پردازند و فعالانه از ابتدا درگیر تصمیمات و عملیات توسعه می باشند، توسعه شانس محکمی در تمرکز بر نیازهای اساسی انسان از شرکت در کارآفرینی، ارایه فرصتهای لازم جهت استقلال و انسجام محلی، بهبود الگوهای همبستگی و احترام به تفاوتها و یکپارچگی فرهنگی دارد. مشارکت به مانند کانالی عمل می کند که گروه ها و جوامع محلی می توانند از طریق آن به عرصه های کلان و بزرگتر دسترسی پیدا کنند (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۰). مشارکت اجتماعی ریشه در ساخت و روابط گروهی در سطوح ملی و محلی داشته است و مبتنی بر یک فرآیند بوده است. فرآیندی که طی آن اطمینان و همبستگی میان مردم برقرار شده است.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

به نظر پارکر(Parker) مشارکت اجتماعی کاتالیزوری برای وحدت اجتماعی محلی، جایگزینی برای پیوندهای تضعیف شده، عامل جامعه پذیری سیاسی و نظام های دینی است (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶، ص ۳۵). مشارکت اجتماعی در برگیرندۀ انواع مختلف کنش های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تاثیر نهادن بر فرآیندهای تصمیم گیری دربارۀ امور عمومی است. مشارکت می تواند در دو سطح مطرح باشد:

الف. بعد ذهنی مشارکت که همان تمایل به مشارکت اجتماعی است که در نتیجۀ اعتماد و سایر عوامل زمینه ساز در افراد ایجاد می شود؛

ب. بعد عینی و رفتاری مشارکت اجتماعی که به صورت عضویت، نظارت، اجرا و تصمیم گیری بروز می کند، که همان پیوند عینی افراد است (موسوی، ۱۳۸۵، ص ۷۷-۷۵).

اعتماد، قراردادی است به سوی خطر پذیری در روابط اجتماعی، برای کارهای فردی و جمعی و آمادگی افراد برای اینکه در یک متن اجتماعی و در روابط اجتماعی بپذیرند که باید به سایر افراد اطمینان داشته باشند و البته به همان نحوه در مقابل سایرین نیز اطمینان نشان بدهند (اخترمحققی، ۱۳۸۵، ص ۴۳- ۴۰ و فیلد، ۱۳۸، ص ۱۰). پاتنام (Putnam) اعتماد اجتماعی را ناشی از دو منبع، یعنی هنجارهای معامله متقابل و شبکه های مشارکت مدنی می داند که همکاری را تسهیل می کند و هر چه سطح اعتماد در یک جامعه بالاتر باشد، احتمال همکاری هم بیشتر خواهد بود و باز این همکاری به نوبه خود اعتماد را ایجاد می کند. از نظر پاتنام اعتماد باید به تماس، رابطه و عمل اجتماعی ختم شود و سعی شود که مردم با هم معامله و داد و ستدی کنند که بر مبنای اعتماد باشد. از نظر او هرچه تعامل میان افراد بیشتر باشد، آنها اطلاعات بیشتری درباره یکدیگر به دست می آورند و انگیزه های بیشتری برای اعتماد پیدا می کنند و نبود این ویژگی ها در برخی از جوامع، عهد شکنی، بی اعتمادی، فریب و حیله، بهره کشی، انزوا، بی نظمی و رکود را به دنبال خواهد آورد (محمدی، ۱۳۸۴، ص ۶۳ و ۶۰ و تاجبخش، ۱۳۸۴، ص ۳۳ و کلدی، ۱۳۸۴، ص ۱۸۰ و ۴-۱۹۱ و موسوی، ۱۳۸۵، ص ۶۹). اینگلهارت معتقد است که هر چه در جامعه اعتماد تقویت پیدا کند در نتیجه مشارکت نیز افزایش می یابد زیرا به واسطۀ اعتماد، رفتارها قابل پیش بینی می گردد و در نتیجه حوزۀ کنش و تصمیم گیری تقویت می گردد (اینگلهارت، ۱۳۷۴، ص ۳۷۸ و دهقان و غفاری، ۱۳۸۴، ص ۷۳). فوکویاما، اعتماد را از ویژگی نظام های اجتماعی و انتظاری می داند که از درون اجتماع برمی خیزد که در آن صداقت و رفتار و روحیه تعاون و همکاری مبتنی بر هنجارهای مشترک و عمومی شکل گرفته باشد. این رفتارها نیاز به قانون و تنظیمات در روابط ندارد، بلکه وجدان اخلاقی به اعضای گروه مبنای اعتماد متقابل را اعطا می کند. اگر افراد پیوسته با یکدیگر در کنش متقابل باشند، در نتیجه این تکرار به سطحی از درستکاری و اعتماد دست می یابند؛ بر اساس نظر فوکویاما فرایند فردگرایی زمینه عدم مشارکت و بروز هرج و مرج در جامعه را به دنبال دارد. اعتماد متضمن تمایل افراد به خطرپذیری (قبول ریسک) در یک زمینه اجتماعی است که در جریان آن، فرد اطمینان پیدا می کند، دیگران مطابق انتظار وی واکنش نشان می دهند و به شیوه ای حمایت آمیز عمل می کنند یا حداقل به وی صدمه نمی رسانند. اعتماد نقش اساسی در تسهیل فرآیندها و کاهش هزینه مبادلات و نظارت دارد و همچنین موجب پیدایش اقتصادی کارآمدتر می شود (محمدی، ۱۳۸۴، ص ۴-۵۳ و ماهری، ۱۳۸۵، ص ۹ و بهزاد، ۱۳۸۴، ص ۹۴ و غفاری، ۱۳۸۴، ص ۳۳۸ و فیروزآبادی و جارجرمی، ۱۳۸۵، ص ۲۰۰).

فرضیات تحقیق عبارتند از:

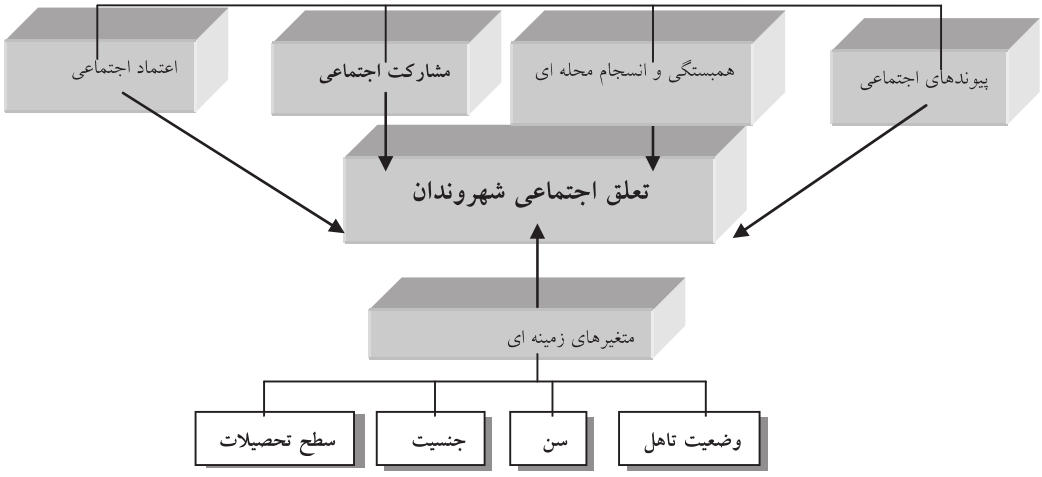
۱. هر چه سن شهروندان محله افزایش یابد پس میزان تعلق آنان به محله افزایش می یابد.

۲. به نظر می رسد میزان تعلق به محله در میان شهروندان زن و مرد یکسان نیست.

۳. به نظر می رسد میزان تعلق به محله در میان شهروندان مجرد و متاهل یکسان نیست.

۴. به نظر می رسد هر چه میزان تحصیلات شهروندان

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]



افزایش یابد پس میزان تعلق آنان به محله افزایش می یابد.

۵. هر چه پیوندهای اجتماعی در بین شهروندان افزایش یابد پس میزان تعلق آنان به محله افزایش می یابد.

۶. هر چه اعتماد اجتماعی در بین شهروندان افزایش یابد پس میزان تعلق آنان به محله افزایش می یابد.

۷. هر چه مشارکت اجتماعی در بین شهروندان افزایش یابد پس میزان تعلق آنان به محله افزایش می یابد.

۸. هر چه همبستگی و انسجام محله ای در بین شهروندان افزایش یابد پس میزان تعلق آنان به محله افزایش می یابد.

مدل تحقیق نیز عبارت است از:

روش تحقیق: روش مورد استفاده در این تحقیق از نوع پیمایشی است. **جامعه آماری** شامل تمام شهروندان ۱۸ سال به بالای ساکن در منطقه ۲۲ شهرداری تهران می باشد. حجم نمونه به وسیله **فرمول کوکران** برآورد شده‌است. **شیوه نمونه گیری** تحقیق مورد نظر نمونه گیری تلفیقی (خوشه ای و تصادفی ساده) است. واحد تحلیل نیز فرد است.

تعریف مفاهیم و متغیرهای تحقیق

تعلق اجتماعی (متغیر وابسته و معرف های آن)

تعریف نظری: منظور از احساس تعلق اجتماعی آن است که یک فرد از نظر روانی و اجتماعی تا چه حد خودش را با جامعه هماهنگ دانسته و به طور فعال در امور آن مشارکت نموده و عملکرد او برای دیگران باعث خود ارزشی فرد می شود و نسبت به دیگران در خود، تعهد زیادی احساس می کند.

تعریف عملیاتی: احساس تعلق اجتماعی عدم ترجیح منافع فردی بر منافع جمعی، تلاش و احساس وظیفه در مقابل حل مشکلات مردم. گویه های مقیاس احساس تعلق اجتماعی، عبارتند از: احساس تعلق به محله، مسئولیت پاکیزگی محله، وظیفه هر شهروند پول درآوردن برای خود، اعتقاد به پیشرفت گروهی، رعایت کردن نظم و ترتیب، نقل مکان به محله دیگر در صورت زندگی بهتر، احساس دلتنگی نسبت به محله، متعهد بودن نسبت به شعار «شهر ما، خانه ما»، میزان احساس مسئوولیت در حفظ اموال عمومی محیط زندگی، اطلاع به مسئولین در هنگام بروز مشکلات در محله.

اعتماد اجتماعی

تعریف نظری: پاتنام اعتماد اجتماعی را ناشی از دو منبع، یعنی هنجارهای معامله متقابل و شبکه های مشارکت مدنی می داند. از نظر او اعتماد، همکاری را تسهیل می کند و هر چه سطح اعتماد در یک جامعه بالاتر باشد، احتمال همکاری هم بیشتر خواهد بود و باز این همکاری به نوبه خود اعتماد را ایجاد می کند.

تعریف عملیاتی: شاخص اعتماد اجتماعی با استفاده از

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

اعتماد نهادی، اعتماد عمومی، قابلیت اعتماد به محیط زندگی و احساس امنیت عملیاتی شده اند.

مشارکت اجتماعی

تعریف نظری: «مشارکت اجتماعی عبارت است از مشارکت کم و بیش آشکار در حیات اقتصادی، گذران اوقات فراغت، فرهنگ، تقبل مسئوولیت های سیاسی و مدنی. در این صورت، میزان مشارکت اغلب صورتی از قدرت را مشخص می دارد (بیرو، ۱۳۷۰، ص ۲۵۷).

تعریف عملیاتی: آن دسته از فعالیت های ارادی که از طریق آنها اعضای یک جامعه در امور شرکت کرده و به صورت مستقیم و غیر مستقیم در شکل دادن حیات اجتماعی مشارکت دارند. مشارکت می تواند در دو سطح مطرح باشد: الف) بعد ذهنی مشارکت که همان تمایل به مشارکت اجتماعی است. شاخص مشارکت اجتماعی در بعد ذهنی و بعد عینی و رفتاری مشارکت اجتماعی که به صورت عضویت، نظارت، اجرا و تصمیم گیری بروز می کند. شاخص مشارکت اجتماعی در بعد عینی (رفتارهای مشارکت اجتماعی) شامل مشارکت غیررسمی اجتماعی (مشارکت در سطح محله،مشارکت غیررسمی مذهبی، خیریه‌ای، همیارانه، کمک در فعالیتهای روزمره) و مشارکت رسمی/ مدنی (سنتهای مدنی و مشارکت سازماندهی شده در گروه های فرهنگی مختلف) است.

انسجام اجتماعی (همبستگی)

تعریف نظری: دورکیم همبستگی را چیزی معرفی می کند که فرد را به جامعه پیوند می دهد. او همبستگی را موجب وحدت جامعه می داند. احساس مسئوولیت متقابل بین چند نفر یا چند گروه است که از آگاهی و اراده برخوردار باشند (بیرو و ساروخانی). انسجام اجتماعی دلالت بر توافق جمعی میان اعضای یک جامعه دارد. به عبارتی انسجام در کل ناظر به میزان و الگوی رابطهٔ متقابل بین کنشگران، گروه ها و خرده فرهنگ های تمایز یافته است.

تعریف عملیاتی: یعنی احساس تعلق و همانندی با یک کل. در صورتی که افراد احساس همنوایی با کل را داشته باشند، مشارکت تحقق می پذیرد. برای ارزیابی انسجام اجتماعی نظر پاسخگویان دربارهٔ موارد ذیل مورد پرسش قرار گرفت: انجام کار بیشتر برای سربلندی محله، لذت بردن از حضور در اجتماعات محله، اهمیت دادن به دیگران، وجود روابط محبت آمیز بین انسانها، میانجیگری به طور داوطلبانه در حل اختلاف شهروندان، اعتقاد به هم فرهنگ بودن شهروندان محله، وجود همدلی برای حل مسایل محله، آنچه برای اجتماع مفید است برای من نیز مفید است، عدم اعتماد به افراد محله برای در میان گذاشتن مسایل خانوادگی.

ویژگی های فردی پاسخگویان

در این قسمت ابتدا به توصیفی از نمونه مورد بررسی بر اساس متغیرهای زمینه ای از جمله جنس، سن، میزان تحصیلات و وضعیت تاهل می پردازیم. سپس متغیر وابسته و متغیرهای مستقل توصیف می شود. بعد از آن روابط میان متغیرها مورد آزمون قرار می گیرند و در نهایت با انجام تحلیل رگرسیون چندمتغیره سهم هریک از متغیرهای مستقل در تبیین واریانس متغیر وابسته بررسی شده و تاثیرات مستقیم و غیر مستقیم آنها بر متغیر وابسته با تکنیک تحلیل مسیر نمایان می شود.

۳۰ درصد افراد حجم نمونه زن ۷۰ درصد) مرد، ۳۱ درصد مجرد و ۶۹ درصد متاهل، میانگین سنی و تحصیلات آنان نیز به ترتیب ۳۲ سال و ۱۲ کلاس می باشد. اطلاعات به دست آمده از جمع نمرات ۱۰ سوال در رابطه با تعلق اجتماعی که به صورت ترتیبی پرسیده شده، نشان می دهد که (۳۷/۱ درصد) پاسخگویان دارای تعلق اجتماعی کم هستند؛ (۵۹/۵ درصد) افراد با تعلق اجتماعی متوسط هستند. (۳/۳ درصد) افراد با تعلق اجتماعی زیاد هستند؛ می توان گفت تعلق اجتماعی شهروندان منطقه ۲۲ به محله که در حجم نمونه قرار داشتند، کم می باشند.

اطلاعات به دست آمده از جمع نمرات ۹ سوال در رابطه با همبستگی اجتماعی که به صورت ترتیبی پرسیده شده نشان می دهد که (۱۹/۵ درصد) پاسخگویان دارای همبستگی اجتماعی کم هستند؛ (۵۷/۷ درصد) افراد با همبستگی اجتماعی متوسط هستند. (۴/۸ درصد) افراد با همبستگی اجتماعی زیاد هستند. می توان گفت

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

همبستگی اجتماعی شهروندان منطقه ۲۲ که در حجم نمونه قرار داشتند، متوسط می باشد.
اطلاعات به دست آمده از جمع نمرات ۹ سوال در رابطه با پیوند اجتماعی که به صورت ترتیبی پرسیده شده نشان می دهد که (۲۴/۳ درصد) پاسخگویان دارای پیوند اجتماعی کم هستند؛ (۶۲/۹ درصد) افراد دارای پیوند اجتماعی متوسط هستند. (۱۲/۹ درصد) افراددارای پیوند اجتماعی زیاد هستند. می توان گفت پیوند اجتماعی شهروندان منطقه ۲۲ که در حجم نمونه قرار داشتند، متوسط می باشد. اطلاعات به دست آمده از جمع نمرات ۱۶ سوال در رابطه با اعتماد اجتماعی که به صورت ترتیبی پرسیده شده نشان می دهد که (۱/۴ درصد) پاسخگویان دارای اعتماد اجتماعی خیلی کم هستند. (۲۴/۳ درصد) پاسخگویان دارای اعتماد اجتماعی کم هستند؛ (۵۹ درصد) افراد دارای اعتماد اجتماعی متوسط هستند. (۱۳/۸ درصد) افراد دارای اعتماد اجتماعی زیاد هستند. می توان گفت اعتماد اجتماعی شهروندان منطقه ۲۲ که در حجم نمونه قرار داشتند، متوسط می باشد. اطلاعات به دست آمده از جمع نمرات ۲۵ سوال در رابطه با مشارکت اجتماعی که به صورت ترتیبی پرسیده شده نشان می دهد که (۵ درصد) پاسخگویان دارای مشارکت اجتماعی خیلی کم هستند. (۳۰درصد) پاسخگویان دارای مشارکت اجتماعی کم هستند؛ (۵۹ درصد) افراد دارای مشارکت اجتماعی متوسط هستند (۱۰/۵ درصد) افراد دارای مشارکت اجتماعی زیاد هستند. می توان گفت مشارکت اجتماعی شهروندان منطقه ۲۲ که در حجم نمونه قرار داشتند، متوسط می باشد.

یافته های تبیینی پژوهش

رابطه هریک از متغیرهای تحقیق با متغیر تعلق اجتماعی با استفاده از ضریب همبستگی اسپیرمن نشان داد که: بین متغیر همبستگی و انسجام محله ای (۱۸۶/.)، میزان مشارکت اجتماعی (۱۷۹/.)، میزان اعتماد اجتماعی (۱۹۱/.) با ۹۹ درصد اطمینان و پیوندهای اجتماعی (۱۵۲/.) با ۹۵ درصد اطمینان معنی دار می باشد. اطلاعات آزمون t به دست آمده است بیانگر آن است که تعلق اجتماعی در میان افراد مجرد و متاهل یکسان نیست. مقدار t به دست آمده (-۱۱۲/۱) با sig (۰۴۰/.) در سطح ۹۵ درصد اطمینان معنادار است. میانگین تعلق اجتماعی بین پاسخگویانی که متاهل هستند بیشتر از مجردها است؛ در نتیجه فرضیه مورد نظر تایید می شود. متغیرها و فرضیاتی که در آزمون همبستگی اسپیرمن رابطه معناداری با تعلق اجتماعی نداشته و رد شده اند عبارتند از: میزان تحصیلات و سن، همچنین اطلاعات آزمون t متغیر جنسیت نیز رد شد.

تحلیل رگرسیون چند متغیره

از تحلیل رگرسیون چندگانه به منظور مشخص کردن سهم تاثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته

جدول ۲. آماره های رگرسیونی و برازش مدل رگرسیون

	R (ضریب همبستگی چندگانه)	R Square (ضریب تعیین)	Adjusted R Square (ضریب تعیین تعدیل یافته)	Std. Error of the Estimate (خطای معیار)	Sig (سطح معناداری)	F (تحلیل واریانس)
تعلق	.۲۴۹	.۰۶۲	.۰۳۴	.۵۳۰۳۲	/۰۰۰	۲.۲۱۹

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

جدول ۳. عناصر متغیرهای درون معادله برای پیش بینی میزان تعلق اجتماعی

متغیر	B	Beta	t	Sig
مقدار ثابت	۲/۳۹۲	–	۶/۸۶۱	/۰۰۰
همبستگی اجتماعی	/۱۹۴	/۱۶۹	۲/۱۶۹	/۰۰۰
پیوند اجتماعی	-/۱۴۳	-/۱۵۹	-۲/۳۰۵	/۰۲۲
اعتماد اجتماعی	/۰۳۵	/۰۴۴	/۶۱۵	/۰۱۲
مشارکت اجتماعی	-/۰۱۰	-/۰۱۱	-/۱۴۳	/۰۱۶
وضعیت تاهل	۰/۰۷۰	/۰۶۰	/۸۵۹	/۳۹۲

بدون لحاظ کردن تقدم و تاخر در بین آنها استفاده می شود. در این پژوهش برای تبیین و پیش بینی متغیر وابسته از طریق متغیرهای مستقل از روش رگرسیون چند متغیره (توام Enter) استفاده شده است. در این قسمت بر اساس تحلیل رگرسیونی مهمترین عوامل تاثیر گذار بر تعلق اجتماعی را بررسی می کنیم. برای انجام تحلیل رگرسیونی در این تحقیق متغیرهای همبستگی اجتماعی، پیوند اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، جنسیت و وضعیت تاهل را به عنوان متغیر مستقل و متغیر تعلق اجتماعی را به عنوان متغیر وابسته وارد معادله رگرسیونی کردیم و نتایج به قرار زیر می باشد:

بر اساس اطلاعات جدول فوق می توان دریافت که میزان تاثیر متغیرهای مستقل وارد شده در مدل با متغیر وابسته (تعلق اجتماعی) در حدود ۲۴۹/. می باشد که نشان دهنده همبستگی قوی میان متغیرها است. همچنین ۰۶۲/. درصد از واریانس متغیر تعلق اجتماعی توسط متغیرهای مستقل وارد شده در مدل تبیین می شود که قابل توجه می با شد. بر اساس سطح معناداری آزمون تحلیل واریانس مدل رگرسیونی فوق در سطح اطمینان بالای ۹۹ درصد مورد تایید می باشد.

همان طور که مشاهده می شود، همبستگی اجتماعی اولین متغیری است که وارد معادله شده با توجه به میزانt (۲/۱۶۹) و سطح معناداری (۰۰۰/.)، پیوند اجتماعی با میزان t (۲/۳۰۵-) و سطح معناداری (۰۲۲/.)، اعتماد اجتماعی با توجه به میزان t (۶۱۵/.) و سطح معناداری (۰۱۲/.) و مشارکت اجتماعی با میزان t (۱۴۳/.-) و سطح معناداری (۰۱۶/.) تاثیر زیادی بر متغیر وابسته (تعلق اجتماعی) دارند.

نتیجه گیری و جمعبندی

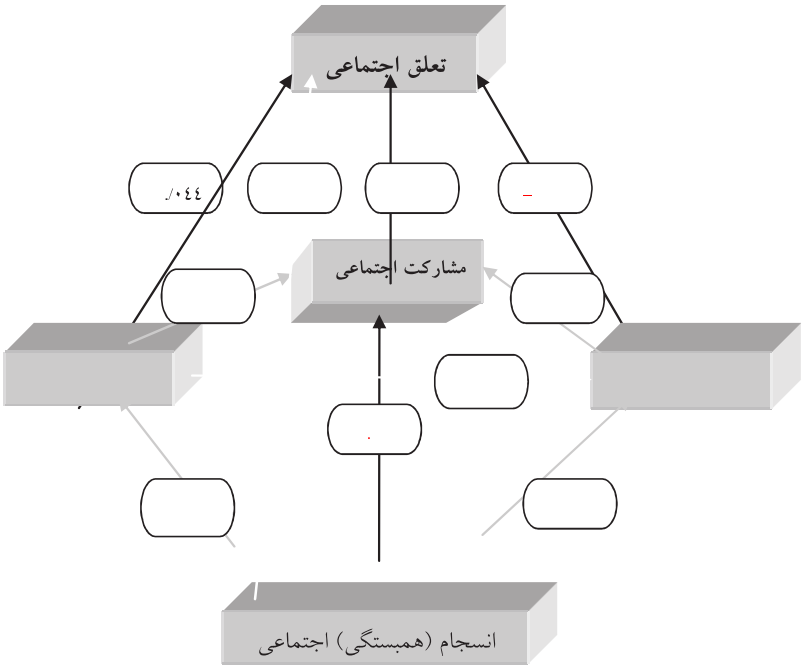
در جامعه شناسی کلاسیک و معاصر همواره به کم و کیف روابط اجتماعی پرداخته می شود. توجه دورکیم به انواع همبستگی مکانیکی و ارگانیکی و انسجام اجتماعی و راه های رسیدن به آن و همچنین توجه تونیس به تبدیل جوامع گمنشافت (اجتماع) به گزلشافت و یا تاثیر زندگی شهری بر حیات انسانی، تجددگرایی و زندگی کلان شهری و رشد عقلانی گرایی یا واقعیت گرایی در حیات اجتماعی مورد نظر زیمل تا حدی از نگرانی مربوط به روند رو به تنزل روابط اجتماعی ناشی از صنعتی شدن و ظهور شهر های بزرگ و نوع روابط بین افراد بوده است. مدیریت شهری سازماندهی عوامل و منابع برای پاسخگویی به نیازهای ساکنان شهر است و چیزی بیش از حیطهٔ کالبدی شهر را در بر می گیرد. «مفهوم شهروندی علاوه بر زمینه های سیاسی بر روابط اخلاقی بین اعضای جامعه و نیز مسایل سنتی نظری جامعه شناسی، مثل شرایط یگانگی و همبستگی اجتماعی، ناظر است. شهروندی پیوندهای میان فرد و جامعه را در قالب حقوق، تعهدات و مسئوولیت ها منعکس می کند و چارچوبی برای تعامل افراد، گروهها و نهادها ارایه می کند. بنابراین کارکرد اصلی شهروندی، اداره جامعه

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

مطابق با اصول رعایت حقوق دیگران و تعهد به انجام امور در جهت حفظ نهادهای مشترکی است که این حقوق را برقرار و پایدار نگه می دارد». اینگلهارت رابطه بین اعتماد و مشارکت را مورد توجه قرار داده است. به نظر او اعتماد به دیگری از عوامل موثر در مشارکت می باشد، زیرا به واسطهٔ اعتماد، رفتارها قابل پیش بینی می گردد و در نتیجه حوزهٔ کنش و تصمیم گیری تقویت می گردد. پیوند بین انسجام اجتماعی و مشارکت حایز اهمیت زیادی است. در واقع بین مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی نوعی رابطه متقابل وجود دارد. یکی از پیش شرط های مشارکت، قابلیت و ظرفیت متقابل برای ارتباط و تعامل داشتن با دیگران است. وفاق اجتماعی مشکل بنیادی هر نظام اجتماعی یعنی پیش بینی پذیری رفتارهای اجتماعی را حل می کند. با حل مشکل فوق و همزمان با ظهور اعتماد اجتماعی متقابل، زمینه برای همکاری اجتماعی و مشارکت اجتماعی که خود پیش شرطی برای اصلاح و توسعه اجتماعی است فراهم می آید. مطالعات نشان می دهد که رابطه مستقیمی بین انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی وجود دارد که با افزایش یکی دیگری نیز افزایش می یابد. بسط رابطه متقابل بین انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی به گسترش و ارتقاء توسعه اجتماعی کمک می کند. البته این رابطه در واقعیت توسط عوامل بسیاری ممکن است مشروط و محدود شود. فرایند مشارکت به عنوان یک نظام کارکردی در سطوح کلان، میانی، خرد با کارکردهای افزایش ثبات اجتماعی، ایجاد روحیه همبستگی و کاهش تعارضات گروهی و از بین بردن سلطه منافع فردی به منافع جمعی، تقلیل از خودبیگانگی، روحیه تفردجویی، تمرکزگرایی و نیز تعمیق و بسط ارزش های دموکراتیک، تقویت روحیه مسئوولیت پذیری و احساس تعلق و تعهد در فرد، بسط عدالت اجتماعی و توسعهٔ خود اعتمادی، ابتکار، سربلندی، فعالیت، تعاون اجتماعی و غیره همراه است. مشارکت می تواند به اشکال و درجات گوناگونی نظیر تعاون، همکاری، همیاری، همبستگی، انطباق، سازگاری، پذیرش، انقیاد، شیفتگی بیان شود. ایفای نقش های اجتماعی و انجام وظایفی که با این نقش ها ملازمت دارند، مبین مشارکت معمولی در حیات اجتماعی است. ایفای این نقش ها، تجلی اراده انسان ها جهت تعلق به جمع و یکپارچگی و یگانگی با آن است. همانگونه که نتایج تحقیق نشان داد متغیرهای مستقل علاوه بر تاثیر داشتن بر متغیر وابسته، می توانند باعث تقویت یکدیگر نیز باشند و هر چه متغیرهای مشارکت اجتماعی، پیوند اجتماعی، اعتماد اجتماعی و همبستگی اجتماعی در بین شهروندان محله افزایش یابد، تعلق به محله نیز افزایش می یابد. افزایش تعلق اجتماعی، ایجاد استحکام پیوندهای اجتماعی و مشاهده پیوسته نظم اجتماعی در همه شئونات مدیریت و سکونت شهری صرفاً با اراده و خواست شهروندان ممکن خواهد بود و همکاری افراد یک محله استحکام محله را افزایش می دهد. روابط اجتماعی و تعامل ها یکی از عوامل مهم در ایجاد احساس تعلق عنوان شده به طوری که تعامل اجتماعی را تشکیل می دهد و در شکل گیری جمعی متشکل از افراد، نقش برجسته ای ایفا می کند. راه حل مناسب در پدید آمدن حرکت های اجتماعی باید با مشارکت محله ها صورت گیرد، در حقیقت باید سازمان های مشارکتی در واحد محله شکل بگیرد و عزم ملی با حرکت های اجتماعی پیوند بخورد و منابع دولتی در خدمت و تسهیل کننده این حرکتها باشد. باید ایده، فکر و برنامه توسط خود مردم تولید شود و مدیریت شهری به صورت تسهیل کننده در کنار این قضیه باشد. هنگاهی که شهروندان نسبت به محیط اجتماعی خود احساس تعلق نمایند، شرایط لازم برای اجتماعی اخلاقی فراهم می شود و با افزایش تعلق اجتماعی، مشارکت اجتماعی نیز افزایش می یابد .فرضیاتی که با استفاده از ضرایب همبستگی اسپیرمن، مورد تایید قرار گرفتند عبارتند از:

فرضیه: هر چه همبستگی و انسجام محله ای در بین شهروندان افزایش یابد پس میزان تعلق آنان به محله افزایش می یابد. ضریب همبستگی اسپیرمن بین دو متغیر همبستگی و انسجام محله ای و تعلق اجتماعی با ۱۸۶/. همبستگی و ۹۹ درصد اطمینان، فرضیه مورد نظر را تایید کرد. یعنی مطابق با نظر دورکیم، پارسونز

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]



فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

و زیمل هر چقدر همبستگی و انسجام محله ای در بین شهروندان افزایش یابد میزان تعلق اجتماعی نیز افزایش می یابد.

فرضیه: هر چه مشارکت اجتماعی در بین شهروندان افزایش یابد پس میزان تعلق آنان به محله افزایش می یابد. ضریب همبستگی اسپیرمن بین دو متغیر مشارکت اجتماعی و تعلق اجتماعی با ۱۷۹/. همبستگی و ۹۹ درصد اطمینان، فرضیه مورد نظر را تایید کرد. یعنی مطابق با نظر هانتینگتون، گولت هر چقدر مشارکت اجتماعی در بین شهروندان افزایش یابد میزان تعلق اجتماعی نیز افزایش می یابد.

فرضیه: هر چـه اعتمـاد اجتمـاعی در بین شهروندان افزایش یابد پس میزان تعلق آنان به محله افزایش می یابد. ضریب همبستگی اسپیرمن بین دو متغیر اعتماد اجتماعی و تعلق اجتماعی با ۱۹۱/. همبستگی و ۹۹ درصد اطمینان، فرضیه مورد نظر را تایید کرد. یعنی مطابق با نظر پاتنام، اینگلهارت و فوکویاما هر چقدر مشارکت اجتماعی در بین شهروندان افزایش یابد میزان تعلق اجتماعی نیز افزایش می یابد.

فرضیه: هر چه پیوندهای اجتماعی در بین شهروندان افزایش یابد پس میزان تعلق آنان به محله افزایش می یابد. ضریب همبستگی اسپیرمن بین دو متغیر پیوندهای اجتماعی و تعلق اجتماعی با ۱۵۲/. همبستگی و ۹۵ درصد اطمینان، فرضیه مورد نظر را تایید کرد. یعنی مطابق با نظر دورکیم، هر چقدر پیوندهای اجتماعی در بین شهروندان افزایش یابد میزان تعلق اجتماعی نیز افزایش می یابد.

فرضیه: . به نظر می رسد میزان تعلق به محله در میان شهروندان مجرد و متاهل یکسان نیست. مقدار t به دست آمده (-۱۱۲/۱) با sig (۰۴۰/.) در سطح ۹۵ درصد اطمینان معنادار است. میانگین تعلق اجتماعی بین پاسخگویانی که متاهل هستند بیشتر از مجردها است، در نتیجه فرضیه مورد نظر تایید می شود. نتایج به دست آمده از معادله رگرسیونی به قرار زیر می باشد:

منابع و ماخذ

ـ آریایی نژاد، سهیلا (۱۳۸۲)، بررسی عوامل مرتبط با مشارکت اجتماعی دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان، پایان نامه کارشناسی ارشد مددکاری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.

ـ اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۴)، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهرانانتشارات کویر، چاپ اول.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

ـ اخترمحققی، مهدی (۱۳۸۵)، «سرمایه اجتماعی»، تهران، انتشارات مهدی اختر محققی.
ـ بهزاد، داود (۱۳۸۴)، «تحلیل نظری سرمایه اجتماعی در پیشگیری از آسیب ها اجتماعی»، مجموعه مقاله های نخستین سمپوزیوم سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ص ۸۳-۱۰۱.
ـ بیرو، آلن (۱۳۷۰)، فرهنگ علوم اجتماعی، مترجم باقر ساروخانی، انتشارات کیهان، چاپ دوم، تهران.
ـ تاجبخش، کیان (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی: اعتماد،دموکراسی و توسعه، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، شیرازه، تهران.
ـ توسلی، غلامعباس (۱۳۸۲)، مشارکت اجتماعی در شرایط آنومیک جامعه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
ـ حسنی، قاسم (۱۳۸۳)، «بررسی رابطهٔ بیگانگی سیاسی ـ اجتماعی با مشارکت سیاسی ـ اجتماعی و امنیت ملی»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۲۶، ص ۱۴۱- ۱۷۹.
ـ دهقان، علیرضا و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۴)، تبیین مشارکت اجتماعی ـ فرهنگی دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی شهر تهران، مجله جامعه شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۱.
ـ رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۲)، سنجش گرایش روستاییان نسبت به جهاد سازندگی، تهران، مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی وزارت جهاد سازندگی.
ـ سعیدی، محمد رضا (۱۳۸۲)، «درآ مدی بر مشارکت مردمی و سازمان های غیر دولتی»، تهران، انتشارات سمت.
ـ غفاری، غلامرضا و محسن نیازی (۱۳۸۶)، جامعه شناسی مشارکت، تهران، نشر نزدیک، چاپ اول.
ـ غفاری، غلامرضا (۱۳۸۴)، «سنجش سرمایه اجتماعی»، مجموعه مقاله های نخستین سمپوزیوم سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ص ۶۱-۸۲.
ـ فیلد، جان (۱۳۸۵)، «سرمایه اجتماعی»، ترجمه جلال متقی، تهران، انتشارات موسسه پژوهش تامین اجتماعی.
ـفیروزآبادی،سیداحمد،حسین ایمانی جاجرمی(۱۳۸۵)، «سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی – اجتماعی در کلان شهر تهران»، رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۳، ص ۲۲۴-۱۹۷.
ـ کلدی، علیرضا (۱۴۸۴)، «سرمایه اجتماعی و خانواده»، مجموعه مقاله های نخستین سمپوزیوم سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ص ۱۸۰-۲۰۳.
ـ ماهری، احد (۸۶-۱۳۸۵)، «بررسی نقش سازمانهای غیر دولتی (NGO)، در ایجاد اعتماد اجتماعی(آذربایجان شرقی)»، کارشناسی ارشد رشته پژوهش واحد علوم تحقیقات.
ـ محمدی، محمد علی (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی و سنجش آن، تهران،انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
ـ موسوی، میرطاهر (۱۳۸۵)، «مشارکت اجتماعی یکی از مولفه های سرمایه اجتماعی»، رفاه اجتماعی، سال ششم،شماره ۲۳، ص ۹۲-۶۷.
ـمحسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۶۹)، «بررسی زمینه های مشارکتی روستاییان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی»، جهاد سازندگی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی، طرح تدوین نظام ترویج ایران.
ـ نوابخش، مهرداد، اسحق ارجمند سیاه پوش (۱۳۸۸)، مبانی توسعه پایدار شهری، انتشارات جامعه شناسان، تهران.
ـ وطنی، علی (۱۳۸۷)، «بررسی عوامل موثر بر افزایش انگیزه مردم به مشارکت اجتماعی در استان گلستان»، استانداری گلستان، معاونت برنامه ریزی (دفتر امور اجتماعی و شوراها).
ـ یزدان پناه، لیلا (۱۳۸۶)، «موانع مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی»، رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۶۳، ص ۱۲۸-۱۰۵.
Shortall ،Sally (2008).Are rural development-pogrammes socially inclusive? Social ، inclu-

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

sion ،civic engagement ,participation. Journal of Rural Studies, Volume 24 ،Issue4، Pages 450-457.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]